



## تحلیل گفتمانی مفهوم رفاه اجتماعی در انقلاب اسلامی با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

محمد سهیل سرو<sup>۱</sup>، علی ذوعلم<sup>۲</sup>

۳۰

دوره ۱۲، شماره ۲، پیاپی ۳۰  
تابستان ۱۴۰۳

### مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:  
۱۳۹۹/۰۲/۱۰  
تاریخ پذیرش:  
۱۴۰۰/۰۳/۱۶  
صص: ۱۶۹-۱۹۰

شاپا چاپی: ۵۵۹۹-۲۲۲۲



**چکیده**  
رفاه اجتماعی اداره امور مادی و روانی جامعه است؛ و با مقولاتی نظیر کیفیت زندگی و آسایش در امور روانی و معیشت و مزایا و خدمات اجتماعی در امور مادی ارتباط دارد. در این مقاله باهدف دستیابی به نگاه انقلاب اسلامی به عنوان یک حکومت دینی به رفاه اجتماعی، به کشف معنای رفاه اجتماعی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی پرداخته شده و با سؤال اصلی «رفاه اجتماعی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای چیست؟» پیگیری شده است. معناکاوی رفاه اجتماعی در این دیدگاه به‌وسیله بررسی مفاهیم مقوم و مفاهیم مرتبط با رفاه که بر اساس حساسیت نظری موضوع در نظریات رفاهی است، به دست آمده است. این تحقیق با روش کیفی و از طریق تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف انجام شده است. براین اساس بیانات آیت‌الله خامنه‌ای با نمونه گیری هدفمند انتخاب و در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین تحلیل شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که رفاه اجتماعی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای مبتنی بر مفهوم کمال انسانی و مبتنی بر رشد معنوی است. در این دیدگاه آزادی و عدالت اجتماعی برخلاف نظریات رایج رفاهی نه دو مفهوم مخالف که دو مفهوم موافق یکدیگرند و اساساً رفاه اجتماعی در نظر ایشان از رهگذر این دو مفهوم می‌گذرد. در این دیدگاه دولت نقش نظارتی در اعمال و انجام رفاه اجتماعی دارد. در این تحقیق به این نتیجه رسیده شد که تلاش و کار و مسئولیت‌پذیری عامل اعطای تسهیلات است و تنها افرادی که توانایی کسب درآمد ندارند مانند ناتوانان جسمی و روحی دریافت‌کننده خدمات و تسهیلات رایگان هستند.

**کلیدواژه‌ها:** رفاه اجتماعی، آزادی، عدالت اجتماعی، دولت، آیت‌الله خامنه‌ای.

DOR: 20.1001.1.23295599.1403.12.2.7.7

۱. دکتری رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) m.soheilsarv@gmail.com

۲. استادیار گروه فرهنگ‌پژوهی پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی، تهران، ایران.

## ۱. مقدمه و طرح مسئله

رفاه اجتماعی در ساده‌ترین تعریف فراهم آوردن بهزیستی برای افراد یک جامعه است؛ ایجاد آرامش خیال اجتماعی به طوری که ضمن به رسمیت شناختن حقوق افراد، تکالیف و مسئولیت‌های جمعی آنها نیز شناخته شده باشد. براین اساس تاکنون جهت‌گیری‌های متفاوتی در کشورهای مختلف نسبت به رفاه اجتماعی اتخاذ شده است. ایران نیز از این دست جهت‌گیری‌ها بی‌بهره نبوده است.

رویکردهای متفاوت در کشور درباره رفاه اجتماعی حاکی از وجود مسئله‌ای در حوزه سیاست‌های اجتماعی است. به طوری که کشور یک دوره با مشکلات اقتصادی مانند تحریم‌ها، تورم، رکود و دوره‌ای دیگر با بحران‌های فرهنگی مانند تعارض در فرهنگ سنتی و مدرن مواجهه بود. این مشکلات به نوعی مستقیم یا غیرمستقیم به رفاه اجتماعی مرتبط‌اند.

در خصوص رفاه اجتماعی دو راه می‌تواند پیش روی کشور باشد؛ یا بایستی به سمت اجرای سیاست‌های اجتماعی متداول در کشورهای پیشرفته گام برداشت؛ یا بر اجرای سیاست‌های اجتماعی بومی و مطابقت آنها با انقلاب اسلامی اقدام نمود. برای منظور اخیر نیاز به کشف مفهوم رفاه اجتماعی در رویکرد انقلاب اسلامی است. به نظر می‌رسد بررسی دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبر عالی انقلاب اسلامی طی سی سال گذشته و تصویب، ابلاغ و اجرای بسیاری از سیاست‌ها در دوره ایشان می‌تواند در استخراج معنای رفاه اجتماعی یاری کننده باشد.

اهمیت این مسئله زمانی دوچندان می‌گردد که با مطالعه دولت‌های پس از انقلاب می‌توان رفت‌وبرگشت‌هایی را در مقوله‌های رفاهی مشاهده نمود که بخشی از آن را می‌توان ناشی از عدم وجود معنای معین از رفاه اجتماعی مبتنی بر انقلاب اسلامی دانست. به طوری که در دولت پنجم و ششم تأکید بر مفهوم توسعه بود. در دولت هفتم و هشتم تأکید بر مفهوم آزادی و در دولت‌های نهم و دهم مفهوم عدالت اجتماعی پررنگ‌تر شد. در دولت یازدهم و دوازدهم نیز تأکید بر امید و اعتدال به عمل آمد.

بنابراین، تقریباً تمامی این دولت‌ها بر مفاهیم رفاه اجتماعی تأکید داشتند اما نه به صورت نظام‌اند و یکپارچه. بدین جهت، فارغ از مسائل سیاسی یکی از مسائل و مشکلات این دوره‌ها را می‌توان در مشخص نبودن نظریه رفاه اجتماعی انقلاب اسلامی عنوان کرد که منجر به اجرای سیاست‌های اجتماعی خاصی شده که تفاوت‌هایی را به وجود آورده است.

از این رو در تحقیق پیش رو، باهدف دستیابی به معنا و مفهوم رفاه اجتماعی در انقلاب اسلامی تلاش شده است تا چستی رفاه اجتماعی در انقلاب اسلامی با استفاده از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای و بر اساس مفاهیم مقوم و مفاهیم مرتبط رفاه اجتماعی در دیدگاه ایشان انجام شود. براین اساس در ارائه راه‌حل به این مسئله این سؤالات پیگیری می‌شود. مفاهیم مقوم و مرتبط رفاه اجتماعی چیست؟ مفاهیم مقوم و مرتبط با رفاه اجتماعی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای چگونه نگریده شده‌اند؟

## ۲. پیشینه تحقیق

با توجه به اهمیت این مسئله تحقیقات مختلفی که در این موضوع انجام شده بررسی و در ذیل به آن‌ها اشاره شده است:

- هزارجریبی و صفری شالی (۱۳۹۲) در «گفتمان عدالت اجتماعی در چهار دولت پس از انقلاب اسلامی» به بررسی گفتمان عدالت اجتماعی در چهار دولت پس از انقلاب اسلامی با استفاده از نظریه و روش «ارنستو لاکلاو و شتال موفه» و «نورمن فرکلانف» پرداخته تا به درک نشانه‌های اصلی و مفصل‌بندی‌های خاص هر گفتمان بپردازد. در ترسیم عدالت اجتماعی، نه نسخه دست چپی‌ها (برابری در فرصت‌ها و برابری نتایج) و نه نسخه دست راستی‌ها (فقط برابری فرصت‌ها) نسخه کاملی است؛ بلکه نیاز به یک دیدگاه ترکیبی است. شکل تبلور گفتمان دولت از گفتار (سخنرانی‌ها) شروع و در نهایت در قالب سیاست‌های اجتماعی مدنظر قرار گرفته است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که دال عدالت در بین دولت‌مردان جمهوری اسلامی کم‌وبیش مورد توجه بوده و در مفصل‌بندی گفتمان عدالت چهار دولت، نشانه مرکزی آن در قالب فقرزدایی نمود داشته است.
- بخشایش اردستانی و رضانی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «گفتمان عدالت و پیشرفت در گفتمان‌های دولت‌های انقلاب اسلامی» بیان شده است و در آن رسیدن به رفاه اجتماعی از گذرگاه معنویت، اخلاق و عدالت قابل تحقق انگاشته شده است اما این تحقیق درصدد توصیف گذشته و نیز برنامه‌ریزی با نقشه راه جدید برای آینده است، درحالی‌که در آن به

یک الگو در آینده اشاره شده اما الگویی از آن به طور مشخص درباره موضوع رفاه اجتماعی استخراج نشده است.

- جمشیدیها و گلوری (۱۳۸۹) در پژوهش خود با عنوان «عدالت در اندیشه آیت الله سید محمدباقر صدر» به این نتیجه رسیده است که عدالت ارزشی ذاتی و نهایی دارد که برای تحقق سایر ارزش‌ها در جامعه به آن نیاز است؛ و عدالت از مطالبات فطری انسان است و تابع قرارداد افراد جامعه نیست و به شرایط تاریخی اجتماعی ویژه‌ای تعلق ندارد. در نظریه صدر اصولاً مفهوم تساوی از ماهیت شناسی عدالت، نفی شده، «کار» معیاری برای برخورداری‌های متفاوت عادلانه است.
- نادران و کرمی (۱۳۹۲) در تحقیق خود با عنوان «بررسی خاستگاه توابع رفاه اجتماعی در رویکرد برگسون و ساموئلسون از منظر اسلام و سکولاریسم» به این مسئله می‌پردازند که خاستگاه و منشأ تعیین این رتبه‌بندی چیست؟ اقتصاد رفاه قدیم و پارتویی، این رتبه‌بندی را برخاسته از مطلوبیت‌ها و ترجیحات فردی افراد می‌دانست؛ اما رویکرد برگسون-ساموئلسن آن را برخاسته از ترجیحات اجتماعی افراد می‌داند. هر دو رویکرد، با ایده سکولاریسم که همه ترجیحات را تنها در حوزه شناخت انسانی قرار می‌دهد، کاملاً سازگار است؛ اما با اندیشه اسلامی که معرفت‌های وحیانی را نیز می‌افزاید، تنها در محدوده‌ای خاص قابل قبول است.
- الزرقا (۱۳۸۵) در پژوهش خود با عنوان «تابع رفاه اجتماعی از دیدگاه اسلام» به این نکته توجه کرده که در طی ربع قرن گذشته مطالب قابل توجهی در مورد سیستم اقتصادی اسلام نوشته شده است، به طوری که در هر یک از آن‌ها می‌توان گاه قرابت‌های قابل توجه و مبانی نظری مشابهی میان بنیان‌های ارزشی اسلام که در قرآن به آن اشاره شده و مبانی علم اقتصاد یافت. مهم‌ترین مشابهت‌هایی که در این مقاله از میان انبوه وجوه تشابه برگزیده شده و به آن‌ها اشاره شده شامل رابطه اعتقادات و رفتار اقتصادی، رابطه اعتقادات با نظام ترجیحات فردی و الگوی مصرف، رابطه اعتقادات با تعیین اولویت‌های زندگی و سازوکار حداکثر سازی مصرف‌هست و در پایان نیز به مطالبی در مورد نتایجی از رابطه حقوق اسلامی و علم اقتصاد پرداخته شده است.

### ۳. چارچوب مفهومی

مفاهیم انتخاب شده برای بررسی یافته‌های تحقیق در این مقاله به دو بخش مفاهیم مقوم و مفهوم مرتبط دسته‌بندی شده است:

#### ۱.۳. مفاهیم مقوم رفاه اجتماعی

این مفاهیم، مفاهیمی هستند که در ذات رفاه اجتماعی وجود دارند و اساساً رفاه حول آن‌ها شکل گرفته و معنا می‌یابد. آزادی، عدالت اجتماعی مفاهیم مقوم رفاه هستند. البته در برخی نظریات مخالف رفاه، آزادی مفهوم مخالف رفاه محسوب می‌شود (هایک<sup>۱</sup>، ۱۹۶۰، نازیک<sup>۲</sup>، ۱۹۷۹) و عدالت به‌عنوان اساس رفاه به حساب می‌آید اما در نظر اندیشمندان اصیل رفاهی آزادی نیز خود رفاه و توسعه است. (آمارتیاسن، ۱۳۹۴)

#### الف. آزادی

از نقطه نظر لیبرالیسم افراد برای پیگیری منافعشان باید آزاد باشند. آن‌ها به معتقدند اگر افراد تحت سرکوبی و تحکم قرار نگیرند، توان پیشرفت دارند. در نظر لیبرال‌ها، آزادی به وسعت دادن به ایده‌ها و آرمان‌ها می‌انجامد و لذا نباید بر خرد جمعی نسل‌های پیشین تکیه کرد. در این دیدگاه دو نوع آزادی وجود دارد. آزادی منفی به معنای فقدان هر محدودیتی و آزادی مثبت به معنی تشویق افراد به انتخاب بهترین شیوه زندگی است. به عبارت دیگر آزادی برافزایش توان افراد برای مشارکت در تأمین منافع عمومی معنا می‌یابد. (تیلور، ۱۳۹۲: ۳۱-۳۰)

در دیدگاه سوسیال‌دموکرات‌ها آزادی فرصت سعادت‌مندی فرد و رها شدن از محرومیت‌های اقتصادی است و زمانی آن را زمانی قابل دستیابی می‌دانند که اقدامات برابرطلبانه ایجاد شود تا افراد آزادی واقعی را تجربه کنند. (گودوین<sup>۳</sup>، ۱۹۸۷: ۱۰۸) به عبارت دیگر تا زمانی که سطح وسیعی از برابری در جامعه ایجاد نشود آزادی واقعی تضمین نمی‌شود لذا آزادی اقتصادی نیازمند فقدان نابرابری‌های اقتصادی است؛ و آزادی حقیقی درگرو گسترش فرصت‌های موجود و قابلیت‌های افراد جهت پیگیری ترجیحاتشان است. (تاوینی<sup>۴</sup>، ۱۹۳۱: ۱۶۸)

1 Hayek  
2 Nozick  
3 Goodwin  
4 Tawney

مسائل اجتماعی از آنجایی به وجود می‌آیند که مطابق قابلیت‌های افراد عمل نمی‌شود؛ و این خود نتیجه عدم آزادی در جامعه است؛ یعنی آزادی شرایطی است که قابلیت‌ها در آن بروز و ظهور پیدا می‌کند. در این دیدگاه آزادی هدف نهایی ترتیبات اقتصادی و اجتماعی و درعین حال کاراترین ابزار تحقق رفاه اجتماعی است. نهادهای اجتماعی نظیر بازار، احزاب سیاسی، مجالس قانون‌گذاری، دستگاه قضایی و رسانه‌ها از طریق ارتقای آزادی فردی در فرایند توسعه نقش مهمی دارند. (سن، ۱۳۹۴)

در منظر اندیشمندان اسلامی آزادی در سه معنا در نظر گرفته شده است:

۱. آزادی از محکومیت طبیعت، ۲. آزادی از محکومیت انسان‌های دیگر و ۳. آزادی از محکومیت

انگیزه‌های درونی خود. (مطهری، ۱۳۹۸)

آزادی اجتماعی؛ یعنی بشر در اجتماع، از ناحیه سایر افراد اجتماع آزادی داشته باشد، دیگران مانعی در راه رشد و تکامل او نباشند، او را محبوس نکنند، به حالت یک زندانی درنیاورند که جلوی فعالیتش گرفته شود. دیگران او را استثمار و استعباد نکنند؛ یعنی قوای فکری و جسمی او را در جهت منافع خودشان به کار نگیرند.

### ب. عدالت اجتماعی

در دیدگاه لیبرال‌های اجتماعی عدالت همان حذف امتیازات بی‌دلیل و ایجاد تعادلی واقعی در میان خواسته‌های متعارض انسان‌ها است که در ساختار یک‌نهاد اجتماعی پیش‌بینی شده است (راولز، ۱۹۷۱) بنابراین، عدالت زمانی حاصل می‌شود که توزیع درست سود و مسئولیت در همیاری اجتماعی صورت گیرد. (لسناف، ۱۳۷۸: ۳۶۵)

چگونگی حصول عدالت ممکن است به بازارهای آزاد، مالیات‌گذاری باز توزیعی، خدمات رفاهی برابانه، برخی مالکیت‌های اجتماعی بر اموال و مقررات‌گذاری محدود بر بازار به‌منظور تخصیص عادلانه کالاها نیاز باشد. (فیتزپاتریک، ۱۳۸۵: ۶۸)

براین اساس جامعه‌ای که توزیع منابع در آن عادلانه باشد وضعیت رفاهی بیشتری نسبت به جامعه‌ای دارد که منابع آن به شکل عادلانه توزیع نمی‌شود توزیع عادلانه به این معناست که توزیع برای محروم‌ترین افراد مطلوب باشد. بدین ترتیب رفاه اجتماعی مستلزم حذف نابرابری‌های غیرعادلانه و نابرابری در فرصت‌ها است نه حذف نابرابری (هزارجریبی، صفری شالی، ۱۳۹۱: ۵۹).

نئولیبرال‌ها عدالت اجتماعی را امری موهوم می‌دانند که با برهم زدن نظم خودانگیخته جامعه موجب دخالت دولت در امور شخصی و مالکیت افراد بر اموال خود می‌شود. در واقع در نظر آن‌ها عدالت اجتماعی همان چیزی است که استحقاق هر فرد درازای تلاش فردی او رقم می‌زند؛ و اگر عامل دیگری مانند دولت در این زمینه وارد شود دیگر اسم آن عدالت اجتماعی نیست بلکه تعدی به حقوق افراد است. (هایک، ۱۹۴۴، نازیک، ۱۹۷۴)

بنابراین واقعیت یا وضعی را که هیچ‌کس نمی‌تواند تغییر دهد، نمی‌توان عادلانه یا ناعادلانه خواند. سخن گفتن از عدالت همواره به این معناست که کسی یا کسانی بایستی یا نبایستی عملی را انجام داده باشند؛ و این باید و نباید خود متضمن تصدیق وجود قواعدی است که شرایطی را معین می‌کنند، شرایطی که در آن‌ها نوع خاصی از عمل ممنوع یا لازم است. سیستم مزایا باید به صورتی محدود و در قالب تور ایمنی برای افراد بسیار فقیر تغییر شکل یابد لذا سیستم مزایای بیکاری در بعضی از اشکال آن باید حفظ شود ولی هدف آن باید کاهش فقر باشد. نه برآوردن اهداف مساوات طلبانه. (هایک، ۱۹۶۰: ۴۵، ۲۵۸، ۳۰۵)

در این رویکرد عدالت استحقاقی به جای عدالت‌های الگومند است در واقع عدالت‌های الگومند تأکید بر وضعیت پایانی و دخالت در نتیجه توزیع‌هاست در حالی که همان سازوکار بازار آزاد مبتنی بر دولت کمینه است به گونه‌ای که هر فرد هر آنچه را که در روند امور روزمره و بر اساس اقتصاد آزاد و مبتنی بر اصول آزادی به دست می‌آورد استحقاق آن را دارد (نازیک، ۱۹۷۴) لذا «هر کس به اندازه‌ی ... (شایستگی، لیاقت، نیاز، تولید نهایی و غیره)» باید بهره‌مند شود. (نازیک، ۱۹۷۴: ۱۵۶)

در نظر سوسیال‌دموکرات‌ها، عدالت اجتماعی در معنای برابری مدنظر است. از این رو دولت باید با باز توزیع ثروت به آن برسد. لذا در نظر آن‌ها رفاه نمی‌تواند در یک جامعه نابرابر ایجاد شود. این برابری، حداکثر سازی برابری و نزدیک به معنای برابری فرصت‌هاست. (تیلور، ۱۳۹۲: ۸۲-۸۳)

در میان اندیشمندان اسلامی عدالت در عرصه بشری بر دو قسم اجتماعی و فردی است. عدالت در این مکتب نه به معنی مساوات و برابری است - اما اگر مقصود این باشد که عدالت یعنی رعایت تساوی در زمینه استحقاق‌های متساوی البته معنی درستی است (مطهری، ۱۳۹۵: ۶۱) - و نه تعادل و موزون بودن

چون اسلام قبول نمی‌کند به خاطر تناسب و تعادل اجتماع برخی تبعیض‌ها روا گردد و حق فرد پایمال شود هرچند که این تبعیض‌ها از نظر کل روا باشد ولی چون از نظر جزء و فرد ناروا است و ظلم است نمی‌تواند تعریفی جامع از عدالت باشد. (طغیانی، ۱۳۸۱: ۲۳) بلکه عدالت به معنای رعایت حقوق افراد و عطا کردن به هر ذی‌حق، حق او را است. (مطهری، ۱۳۹۵: ۶۲)

اندیشمندان اسلامی با تمرکز بر مفهوم عدالت اجتماعی و از زاویه عدالت اجتماعی بحث رفاهی را در قالب تکافل اجتماعی و توازن اجتماعی مطرح کرده‌اند. (صدر، ۱۳۴۸)

### ۲.۳. مفهوم مرتبط

این مفاهیم یا در صورت حصول رفاه اجتماعی حاصل می‌شوند و یا در ارتباط با مفاهیم مقوم به رفاه کمک می‌کنند. مفاهیمی مانند امید، کیفیت زندگی و ... از مفاهیمی مرتبط ماحصل رفاه اجتماعی و مفاهیمی مانند دولت، حقوق شهروندی و ... از مفاهیم در ارتباط با رفاه اجتماعی هستند. در این قسمت دسته دوم مورد نظر است.

برخلاف مفاهیم مقوم مفاهیم مرتبط مضامینی هستند که اساساً رفاه حول آن‌ها شکل نگرفته است ولی این مفاهیم در شکل‌گیری آن تأثیر بسزایی دارند. دولت پرنفوذترین این مفاهیم در حوزه رفاه اجتماعی است.

### الف. دولت

دولت به‌عنوان قوه حاکم است که با ابزارهای مالی و نظامی و ... دارای قدرت و اقتدار است؛ و هر یک از مکاتب نسبت به نقش آن و نحوه عملکرد آن به‌خصوص در سیاست اجتماعی و رفاه اجتماعی نظرات متفاوتی دارند. سوسیال‌دموکرات‌ها دولت را موظف به برطرف کردن نیازهای اساسی مردم می‌دانند. نئولیبرالیسم دولت را به‌عنوان حلال مشکلات شخصی نمی‌شناسند. به نظر آن‌ها دولت در حد کمینه است که صرفاً به حفظ امنیت شهروندان می‌پردازد و حداکثر می‌توان تورهای ایمنی محدودی برای روزهای مبادا داشت. راه سومی‌ها بر محور پیوندهای اجتماعی ناشی از تکالیف متقابل سازمان تأکید دارند لذا دولت را در صورتی محق به اعطای مزایای اجتماعی می‌دانند که افراد به تکالیفشان عمل کنند. (فیتزپاتریک، ۱۳۸۳: ۱۳۴-۱۳۵ و ۱۶۲)

در میان نواندیشان اسلامی، حیطه‌ی اصلی دخالت دولت، منطقه‌الفراغ است. منظور از منطقه الفراغ اموری است که به دلیل اینکه حکمی از سوی شریعت در مواردی صادر نشده است ولی امر می‌تواند به احکام و اقدامات خاص دست بزند. به این دلیل که بتواند تفاوت‌ها و فاصله‌های اجتماعی را از بین ببرد منطقه‌الفراغ باید چنان منعطف باشد که اسلام، فرصت پاسخ‌گویی به نیازهای اجتماعی و حل مشکلات اقتصادی را در همه‌ی عصرها داشته باشد. در این منطقه خلأ حاکم به دلیل اینکه ولی امر است، به اقدامات اقتصادی‌ای دست می‌زند تا تأمین اجتماعی و توازن اجتماعی را تحقق بخشد. هدف و فلسفه‌ی دخالت دولت، تضمین از بین بردن تفاوت‌ها و فاصله‌های عمیق اجتماعی است. دخالت دولت موجب می‌شود تا تضادها و فاصله‌های اجتماعی به‌اندازه‌ای شدید نشود که موجب انحصار ثروت در دست اغنیا شود. (صدر، ۱۳۴۸: ۳۱۳)

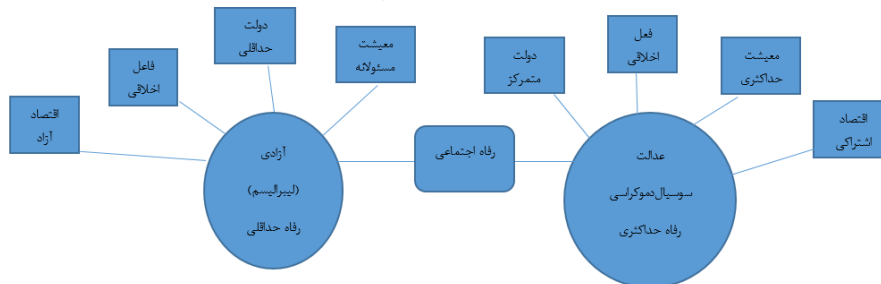
جدول ۱ نظریات رایج رفاه اجتماعی

ردیف	نام نظریه	توضیح نظریه	نظریه پرداز	مسئله نظری	مفهوم محوری نظریه
۱	عدالت و انصاف	عادلان بودن توزیع منابع و ارائه فرصت‌های برابر	راولز	مدیریت نابرابری فرصت‌ها	عدالت
۲	عدالت استحقاقی و دولت کمینه	توزیع باید همراه با ابعادی طبیعی تغییر کند؛ که اصولاً به این شکل بیان می‌شود که «هر کس به‌اندازه‌ی ... (شایستگی، لیاقت، نیاز، تولید نهایی و غیره)» باید بهره‌مند شود	نوزیک	آزادی	آزادی
۳	نظم خودانگیخته و تور ایمنی	نظم موجود در جامعه حاصل طرحی عقلانی نیست، بلکه خودجوش است امکان ندارد نظم اجتماعی موضوع هدایت آگاهانه و طراحی عقلانی باشد. پس عدالت توهم است. ولی با تور ایمنی که کمک به اقشار فقیر جامعه است خارج از سیستم بازار مانع از فقیرتر شدن آن‌ها بشود.	هایک	آزادی	آزادی
۴	توسعه و آزادی، قابلیت	ایجاد فضای آزاد برای ظهور قابلیت‌ها و استعداد‌های افراد	آمارتیا سن	چگونگی ظهور قابلیت‌های افراد	آزادی

مدل مفهومی دو مکتب لیبرالیسم و سوسیال‌دموکراسی در عرصه رفاه اجتماعی را می‌توان به شکل

زیر نشان داد:

### الگوی ۱. مدل مفهومی رفاه اجتماعی در لیبرالیسم و سوسیال دموکراسی



### روش تحقیق

مقاله حاضر با روش کیفی و در سطح بنیادی انجام شده است؛ و در آن از تحلیل گفتمان فرکلاف استفاده شده است. با بررسی داده‌های تحقیق مجموعه بیانات آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان جامعه آماری از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۵ در نظر گرفته شد. (با توجه به تاریخ تولید مقاله سال‌های ۹۶ و ۹۷ در دسترس نبودند) و با نمونه‌گیری هدفمند بیاناتی مورد تحلیل قرار گرفت که با حساسیت نظری بیشترین ارتباط موضوعی را با تحقیق حاضر دارا هستند. به‌این ترتیب که مفاهیم مقوم و مرتبط رفاه اجتماعی در بیانات ایشان جستجو شد و سخنرانی‌های ایشان در دیدارهایی که با بخش‌های رفاهی کشور بود، بررسی شد. دیدار با کارکنان وزارت بهداشت، وزارت رفاه، دانشجویان و کمیته امداد از این جمله بود. در بخش جستجویی نیز هر قطعه از بیانات به‌مثابه یک یا چند پاراگراف و به‌صورت یک متن جداگانه در نظر گرفته شدند. بررسی‌ها نیز تا جایی ادامه یافت که اشباع نظری اتفاق افتاد و محقق به این نتیجه رسید که با جستجوی بیشتر بیانات و مفاهیم به رویکرد جدیدی دست پیدا نمی‌کند.

تحلیل گفتمان انتقادی، در بررسی پدیده‌های زبانی و کنش‌های گفتمانی، به فرایندهای ایدئولوژیک در گفتمان، روابط بین زبان و قدرت، ایدئولوژی، سلطه و قدرت، پیش‌فرض‌های دارای بار ایدئولوژیک در گفتمان، نابرابری در گفتمان و ... توجه کرده است و عناصر زبانی و غیرزبانی را به همراه دانش زمینه‌ای فاعلان، هدف و موضوع مطالعه خود قرار داده است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۹-۲۴). تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف از سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین برخوردار است. (فرکلاف، ۱۹۹۶: ۲۶)

**الف. توصیف:** توصیف مرحله‌ای است که با ویژگی‌های صوری متن مانند واژگان، دستور و ساخت‌های متنی سروکار دارد. (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۰) توصیفی از متن بیانات از قبیل قطب‌بندی متن، واژگان رفاهی متن، واژگان رفاهی مختص انقلاب و جان کلام متن در این مرحله به موارد ذیل پرداخته شده است:

- تعیین روند تاریخی و شرایط اجتماعی و اقتصادی ارائه بحث از سوی آیت‌الله خامنه‌ای
- تعیین اتفاقات بعضاً پراهمیت به وقوع پیوسته که موجب موضع‌گیری به خصوصی در آن دوره شده است و بر سخنرانی تأثیر گذاشته است.
- تعیین اصول ثابت و متغیر موجود در متن و شرایط اجتماعی دوره‌های بعد از سخنرانی که برخی تغییر یافته در بیانات رهبری و برخی همچنان به‌عنوان اصل ثابت به‌عنوان اصل ثابت انقلاب باقی مانده است. در این بخش زمینه تاریخی - اجتماعی هر متن نیز مورد توجه قرار گرفت و نوشته شد. تا بستر گفتمانی هر متن که در بازه‌های زمانی و مکانی متفاوت و در دولت‌های مختلف ایراد شده است مورد توجه باشد؛ که از رهگذر آن بتوان گفتمان آن‌ها را تشخیص داد.
- ب. تفسیر: تفسیرها، ترکیبی از محتویات خود متن و ذهنیت مفسر است. منظور از ذهنیت مفسر، دانش زمینه‌ای است که مفسر در تفسیر متن به کار می‌بندد. از نظر مفسر، ویژگی ظاهری متن در حقیقت به‌منزله سرنخ‌هایی هستند که عناصر دانش زمینه‌ای ذهن مفسر را فعال می‌سازند و محصول ارتباط دیالکتیک این سرنخ‌ها و دانش زمینه‌ای مفسر خواهد بود. (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۵)
- مرحله تعیین مفاهیم: تعیین مفاهیم رفاهی متن، تعیین مفاهیم رفاهی - انقلابی متن، تعیین قطب‌بندی متن و ارائه جان کلام متن
- مرحله تحقیق و تلخیص: در مرحله تدقیق و تلخیص ضمن خلاصه کردن مطالب جان کلام متن، به حذف موارد تکراری و تعیین تعداد فراوانی مفاهیم به‌کاررفته در فیلدهای سه‌گانه ابتدایی جداول عناصر گفتمانی و تعیین تعداد مطالب مشترک جان کلام متن در فیلد آخر جداول عناصر گفتمانی به‌عمل آمده است.

در این بخش ابتدا هر متن چندین نوبت مطالعه شد و ضمن طراحی یک جدول چند مؤلفه اصلی برای آن‌ها تعبیه شد. هر متن از بعد قطب‌بندی مورد توجه قرار گرفت و دوگانه موجود در آن در صورت وجود مورد توجه واقع شد. تا به این وسیله چستی گفتمان متن با گفتمان‌های رقیب به‌منصه ظهور

برای مخاطب برسد. سپس با بررسی دوره متن واژگان رفاهی بر اساس مبانی نظری (مفاهیم مقوم و مفهوم مرتبط) استخراج شدند یا بر اساس حساسیت نظری محقق در موضوع رفاه اجتماعی واژگان جدیدی که در نظریات رفاهی مطرح نشده‌اند یا کم مورد توجه قرار گرفته‌اند در قالب واژگان رفاهی-انقلاب در جدول نوشته شد. در نهایت نیز جان کلام متن برای دریافت محتوای متن استخراج گردید. نمونه جداول بررسی متون در جدول ذیل آمده است:

جدول ۲ نمونه جدول تحلیل گفتمان پژوهش حاضر

عناصر گفتمان	محتوای متن
قطب بندی متن	
واژگان رفاهی متن	
واژگان رفاهی- انقلابی متن	
جان کلام متن	

ج) تبیین: تبیین، مرحله‌ای است که به بیان ارتباط میان تعامل و بافت اجتماعی می‌پردازد؛ اینکه چگونه فرایندهای تولید و تفسیر تحت تأثیر اجتماع قرار دارند. تبیین عبارت است از: دیدن گفتمان به عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت (فرکلاف، ۱۳۷۹):

(۲۴۵)

بنابراین، در این بخش به تحلیل و تبیین واژگان، قطب بندی و جان کلام متن پرداخته شده است. در این مرحله بعد از تدقیق و تلخیص جداول عناصر گفتمانی که به گام تفسیر مربوط می‌شوند تعیین گفتمان دوره‌های چهارگانه دولت‌هاست که با روش زیر به دست می‌آید:

- تعیین گفتمان متن دوره مربوطه از طریق تأکیدات موجود در جان کلام متن و واژگان موجود در فیلهای دیگر جداول عناصر گفتمانی
- تعیین گفتمان‌های رقیب در دوره ارائه دوره
- تشخیص سلبیات و جلیبیات متن مورد نظر (تعیین دوگانه‌های سلبی و ایجابی)

## ۵. یافته‌های تحقیق

- الف. مرحله توصیف در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای طی حدود ۳۰ سال رهبری ایشان در چهار دوره دولت‌های پس از انقلاب اسلامی به‌قرار زیر طبقه‌بندی شد:
۱. دولت سازندگی: این دولت بر امور عمرانی - زیربنایی و به‌طور کلی سازندگی توجه داشت چون دوران بعد از جنگ تحمیلی و شعار توسعه به معنای عمران و آبادی کشور به‌خصوص از نظر زیرساختی بود. (سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۷۶) رهبر انقلاب اسلامی، در آغاز رهبری خود مواجه با دورانی است که جنگ پایان‌یافته، دولت وقت با شعار سازندگی بر سرکار آمده، برخی از جریانات سیاسی بعد از رحلت رهبر کبیر انقلاب بر توسعه غربی و تمام شدن شعارهای انقلاب تمرکز کرده‌اند از این‌رو عده‌ای خواهان توسعه به سبک غربی و روی آوردن به رفاه در جامعه و برخی نیز خواهان پایبندی صرف به عقاید و اصول زمان امام بودند در این شرایط آیت‌الله خامنه‌ای رویکرد انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی را مشخص کردند.
  ۲. دولت اصلاحات: این دولت بر توسعه سیاسی متمرکز بود؛ و بر آزادی و حق شهروندی و رفاه اجتماعی مردم تمرکز داشت. (۱۳۷۶ - ۱۳۸۴) در این مرحله آیت‌الله خامنه‌ای بر وجود دو مفهوم آزادی و عدالت در کنار همدیگر و لزوم رسیدن انسان به رشد و کمال تاکید کرده‌اند. و از تاکید صرف بر آزادی به معنای آزادی مطلق از هر قیدی که خود به معنای نآزادی طبق تعریف ایشان است برحذر داشته‌اند.
  ۳. دولت عدالت محور: این دولت بر توسعه عدالت و ارزش‌های اجتماعی نظیر توجه به اقشار کم‌درآمد در بین تمام طبقات جامعه تأکید داشت. توسعه اجتماعی در این زمان بیشتر مورد نظر بود. (۱۳۸۴ - ۱۳۹۲) در این دوره تاکید آیت‌الله خامنه‌ای بر عدالت همراه با کمال انسانی و توجه به پیشرفت و عدالت توأمان با یکدیگر است به طوری که عدالت به خود خود یک هدف نباشد بلکه از عدالت به پیشرفت و کمال رسیدن هدف به حساب می‌آید.
  ۴. دولت اعتدال: هدف این دولت تمرکز بر مسائل سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و رفع تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران بود؛ و به توسعه روابط اقتصادی و سیاسی با کشورهای دیگر

از جمله رویکردهای اصلی این دوران بود. (۱۳۹۲-۱۳۹۶) توجه به معیشت مردم و عدالت اجتماعی کانون توجه آیت الله خامنه ای را در این دوره تشکیل می دهد.

آیت الله خامنه ای طی دوره رهبری خود در هر چهار دولت مذکور با اشاره به حیات طیبه اسلامی، رویکردی با دسترسی به خیرات عمومی جامعه با توجه به دنیا و آخرت و توأمان دیدن آن‌ها، لزوم معیت ماده و معنا و رفاه و معنویت را مدنظر قرار دادند از این رو گفتمان رفاهی ایشان در این دوران گفتمان حیات طیبه اسلامی است.

ب. تفسیر، در این مرحله مجموعه بیانات مرتبط با موضوع تحقیق به صورت هدفمند مطالعه و بررسی شد که برخی از مهمترین گزاره های آن‌ها با تحلیل گفتمان در این قسمت اشاره شده است:

در مرحله تفسیر، داده‌های ذیل از مجموعه متون به دست آمده از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای پس از چندین نوبت تلخیص به دست آمد:

جدول ۳ عناصر گفتمانی متن

عناصر گفتمانی	عناصر گفتمانی در متن	تعداد گفتمان‌های دوقطبی / واژگان رفاهی
قطب‌بندی متن	آزادی {آزادی} # جنجال / آزادی غربی، آزادی اسلامی / حق # باطل / آزادی # مانع { // رفاه {بی تقوایی} # عدم توجه به رفاه مردم / امکانات عمومی # امکانات خصوصی / رفاه مادی # مصرف‌گرایی / رفاه # اسراف / نگاه مادی # نگاه معنوی، { // دولت اسلامی {پیشرفت} # رکود و سکون / تلاش # رکود / آرمان فطری # هوس گونه / ثبات # تحول / حرکت مردم به سمت دولت # حرکت دولت به سمت مردم / آسایش ظاهری # آسایش معنوی / حق دولت # حق مردم / نگهداشتن سرمایه # استفاده از سرمایه / آزادی اقتصادی برای همه مردم # آزادی اقتصادی برای قدرتمندان / امور رفاهی # امور مادی { // عدالت اجتماعی {رفاه مبتنی بر پول} # رفاه مبتنی بر معنویت / نگاه اول توسعه بعد عدالت # توسعه مبتنی بر عدالت / اخلاق مادی # اخلاق اسلامی {	۳ تا آزادی ۵ تا رفاه ۱۰ تا دولت اسلامی ۳ تا عدالت اجتماعی

<p>۳ تا آزادی ۱۶ تا رفاه ۵ تا دولت اسلامی ۵ تا عدالت اجتماعی</p>	<p>آزادی {آزادی، احساس آزادی، حق آزادی} // رفاه {رفاه و عدالت اجتماعی، تبعیض، فقیر، فرصت‌ها و امکانات، آسایش، علم، بهداشت، استعداد، عدالت اجتماعی، اخلاق، پول، فواصل طبقاتی، فرصت برابر، حق و مسئولیت اجتماعی،} // دولت اسلامی {بازنشستگان، تأمین اجتماعی، طبقات نیازمند، آموزش و پرورش، خدمات} // عدالت اجتماعی {سلامت، بهداشت، علم، شغل، تقسیم فرصت‌ها}</p>	<p>واژگان رفاهی متن</p>
<p>۱۰ تا رفاه ۱ عدد عدالت اجتماعی</p>	<p>رفاه {حیات طیبه، پابرهنگان، رشد انسانی و رشد معنوی، کمال، ایمان، معنویت، زندگی گوارا، سرمایه‌های معنوی، پیشرفت عدالت محور} // دولت اسلامی { - } // عدالت اجتماعی {نوسازی معنوی}</p>	<p>واژگان رفاهی - انقلابی متن</p>

ج. در مرحله تبیین یافته‌های ذیل براساس تحلیل گفتمان قطب‌بندی واژگان رفاهی، واژگان رفاهی و واژگان رفاهی - انقلابی بر اساس مفاهیم تحقیق به‌دست‌آمده است:

#### الف. آزادی در گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای

آزادی در این گفتمان در برابر جنجال و هرج و مرج است؛ بنابراین هر آنچه به معنی آشوب و یا افسارگسیختگی باشد آزادی محسوب نمی‌شود. به‌عبارت‌دیگر آزادی دارای قواعد و قوانین است. چراکه مقابل جنجال قانون و قاعده وجود دارد.

آزادی غربی دارای ویژگی‌هایی است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها پذیرفتن اصل آزاد بودن است افراد تا جایی که به حقوق دیگران تجاوز نکنند. اینجا بحث حقوق و قانون مطرح است یعنی آزادی دارای قواعدی است اما حدود قواعد متفاوت است. درحالی‌که در گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای آزادی علاوه بر حدود شناخته‌شده غربی نه تنها عدم تجاوز به حقوق دیگران بلکه عدم تجاوز به حقوق خود را نیز دربرمی‌گیرد. هرچند این امر به‌ظاهر اخلاقی است اما قواعدی نیز بر آن وجود دارد که آن را از حالت اخلاقی صرف خارج می‌کند؛ مانند قوانینی که درباره خودکشی و اعتیاد وجود دارد و مددکاران اجتماعی نیز به همین منظور فعالیت می‌کنند.

به‌هرروی در گفتمان انقلاب اسلامی اخلاق و قانون (حقوق) در بررسی آزادی هر دو مهم هستند اما در گفتمان غربی وجوه قانونی آن بیشتر موردتوجه است این امر در تعریف آزادی از رهبر انقلاب بیشتر روشن می‌شود که آزادی در این گفتمان به معنی هر آن چیزی است که مانعی نداشته باشد. این

مانع در برابر رشد است و رشد نیز مبتنی بر اخلاق حسنه و کمال الهی است؛ بنابراین هر آنچه مانع رشد در این معنا است نا آزادی به حساب می آید.

با بررسی واژگان رفاهی متن ۴ واژه مهم ترین واژگان آزادی را در بیانات رهبری تشکیل می دهند. مفهوم آزادی بماهو آزادی، احساس آزادی، حق آزادی و آزادی به مثابه یک تکلیف. از این میان آزادی به مثابه تکلیف را می توان از مفاهیم گفتمان رفاهی انقلابی دانست.

آزادی و رشد یک حق برای همگان هستند؛ و این حق باید به افراد داده شود. پس چون حق است حاکمیت و همه انسان ها تکلیف دارند آن ها به تمامی اعضای جامعه بشریت برسانند و مازاد بر آن تک تک انسان ها تکلیف دارند این حق خود را محترم داشته و پاسداشت نمایند.

از سوی دیگر این حق به واسطه نظام حق هستی به افراد می رسد چون آن ها با این بیان محق است نسبت به داشتن آنچه نظم و ذات هستی است و از آنجایی که انسان نیز جزئی از هستی است این حق یعنی آزادی برای او جز لاینفک شناخته می شود؛ اما این آزادی هر چند تأمین شده باشد اما افراد احساس داشتن آن را نکنند چرخه آزادی تکمیل نشده است و لذا افراد مکلف به تأمین این احساس برای آن ها هستند. از سوی دیگر فرآیند شکل گیری احساس آزادی و آزادی در افراد و جامعه زمانی شکل می گیرد که افراد در درون خود و ذهن و روح خود آزادی را لمس و تجسم کنند و احساس آزادی کنند آنگاه بتوانند به آزادی عینی و بیرونی دست پیدا کنند و یا برای نیل به آن مبارزه کنند.

#### ب. دولت در گفتمان آیت الله خامنه ای

دولت باید نقش نظارتی در جامعه ایفا کند و از حقوق همگان به خصوص محرومان و مستضعفان دفاع کند و با وضع قوانین زمینه های تحصیل، تربیت، سلامت، شغل و مسکن آن ها را تأمین کند. در این راستا دولت نه نقش حداقلی و نه نقش حداکثری در اقتصاد دارد بلکه با ابزار نظارتی و وضع قوانین تلاش هر کس در راه دستیابی به ثروت را محترم می داند و استعدادهای افراد را در رسیدن به اموال خود را به رسمیت می شناسد.

در گفتمان آیت الله خامنه ای اموال عمومی مشترک بین همگان است که دولت آن را به عنوان مدافع حقوق مردم در اختیار خود دارد و با قوانین به غیر واگذار می کند. همچنین در دولت اسلامی حرکت مردم به سمت دولت نیست بلکه دولت به سوی مردم می رود و این مانع از دیکتاتوری دولت می گردد. از جمله این موارد مردم سالاری دینی است. در عرصه اقتصاد نیز ارائه اموال عمومی به مردم اولویت دارد

نه آنکه باندهای فساد در دولت شکل بگیرد و مردم بی‌خبر از آن و برای اصلاح به سمت دولت بروند. در عرصه رفاه نیز با ارائه و اعطای تسهیلات آموزشی و بهداشتی دولت به‌سوی مردم می‌آید. در گفتمان انقلاب اسلامی آسایش ظاهری و معنوی مردم و جامعه هر دو باهم مهم است. آسایش معنوی و باطنی مواردی از قبیل اخلاق و رشد دینی است. آسایش ظاهری نیز همه موارد رشد مادی مردم است که در نیازهای فطری انسان به آن‌ها اشاره شد. این تفاوت نظم گفتمانی انقلاب با سایر گفتمان‌ها را می‌رساند. در گفتمان‌های دیگر دولت وظیفه آسایش ظاهری مردم را دارد و آسایش معنوی را در موارد امنیت روانی و اجتماعی خلاصه می‌کنند اما در گفتمان انقلاب تأمین دین و اخلاق مردم علاوه بر وضع قوانین و نظارت بر آن‌ها نیز جزء وظایف رفاهی انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. برای مسئولیت‌پذیری در سازوکار اقتصادی تلاش و کار از اهمیت بسزایی برخوردارند. به‌طوری‌که هر کس تلاش کند باید پاداش بگیرد؛ و نیز در صورت ضرورت خلأ جامعه را با انفاق جبران کند. لذا در نهایت آسایش معنوی مردم درگرو تقویت حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی نسبت به نجات خود است.

با توجه به نکات پیش‌گفته در گفتمان انقلاب اسلامی هر یک از مردم و دولت دارای حقوق هستند و حق آن‌ها مقابل یکدیگر قرار نمی‌گیرد بلکه در جهت رشد است مردم حق دارند که از منابع خصوصی خود بهره‌برند و دولت هم حق دارد منابع عمومی را بین مردم تقسیم کند دولت حق دارد مانع نگه‌داشت سرمایه افراد شود - در شرایطی که مصالح عمومی به خطر می‌افتد - و اساساً در این گفتمان استفاده از سرمایه اصل است و نگه‌داشت آن مذموم است.

### ج. مفهوم عدالت اجتماعی

در گفتمان انقلاب توسعه و عدالت و رفاه باهم به رسمیت شناخته می‌شوند و از مباحثی مانند اول توسعه و بعد عدالت احتراز می‌شود در این گفتمان نظر این است که نباید ابتدا توسعه ایجاد کرد و منابع به وجود آورد و سپس عدالت ایجاد کرد، بلکه باید توسعه همراه با عدالت را در دستور کار قرار داد و با توزیع فرصت‌های برابر و نه توزیع فقر اقدام به فعالیت‌های عدالتی کرد. هرچند منابع کم باشد باز عدالت اصل و هدف است که با توزیع فقر متفاوت است و عدالت به معنای ایجاد فرصت‌های برابر است.

در گفتمان انقلاب عدالت اجتماعی که به معنی تقسیم و توزیع فرصت‌های برابر و پر کردن شکاف طبقاتی است ارتباط نزدیکی با بحث‌های رفاهی مانند بهداشت و شغل وجود دارد در این گفتمان بنا بر مباحث رفاه و عدالت ایجاد سلامت عمومی و بهداشت، شغل و علم و مسکن که از مؤلفه‌های رشد مادی هستند جز وظایف دولت‌ها و از موارد عدالت است؛ اما برای رسیدن کامل به این موارد و نیز مواردی بالاتر از این‌ها مانند انفاق و ... نیازمند نوسازی معنوی و نوسازی اخلاقی جامعه هست. تا این امور صرفاً توسط دولت و با قوانین ایجاد نشود بلکه بااخلاق و به‌صورت خودجوش و کامل اجرا می‌شود.

در رویکرد آیت‌الله خامنه‌ای عدالت به‌مثابه رشد و پیشرفت و آزادی نیز به‌مثابه رشد و پیشرفت است؛ بنابراین غایت و هدف هر دو یکی است یعنی رشد؛ و این دو روش‌های رسیدن به رشد هستند. رشد معنای مادی و معنوی را هم‌زمان دارد انسان رشد می‌کند کمال یابد. درحالی‌که رویکردهای فعلی رفاه اجتماعی توسعه به‌مثابه آزادی است، در رویکرد انقلاب اسلامی غایت و ابزار رسیدن به توسعه آزادی است. توسعه در این معنا تنها به جنبه‌های درآمد تولید ناخالص ملی و افزایش ثروت نمی‌انجامد بلکه به آزادی مانند یک اصل توجه می‌شود که با آن قابلیت‌ها و توانمندی‌های افراد شکوفا می‌شود تا بدان واسطه هر کس توان فعالیت داشته باشد و به ثروت نیز برسد.

از سوی دیگر هر دوی آزادی و عدالت اجتماعی در این رویکرد در یک نقطه به یکدیگر می‌رسند. دو مقوله‌ای که در غرب بسیار بر سر انتخاب هر یک از آن‌ها به‌واسطه تضاد آن دو باهم اختلاف وجود دارد. در رویکرد آیت‌الله خامنه‌ای به‌واسطه اینکه آزادی و عدالت اجتماعی به‌مثابه رشد هستند و نیز به‌واسطه آنکه هر دو یک هدف را دارند این مفاهیم دو روی یک سکه محسوب می‌شوند. به‌طوری‌که عدالت اجتماعی به معنای زدودن فقر و پر کردن شکاف طبقاتی مسیر آزاد شدن افراد از فقر و مسهل به‌سوی رشد است. به‌عبارت‌دیگر آزادی کلان مفهومی است که از عبودیت خدا و نفی طاغوت به دست می‌آید و عدالت اجتماعی روشی است که برای رسیدن به این کلان مفهوم استفاده می‌شود.

### نتیجه‌گیری

در این تحقیق در پاسخ به سؤال اصلی رفاه اجتماعی در گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای چیست؟ به این نتیجه رسیده شد که گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای نیز به‌مانند اندیشه و گفتمان اسلامی و اندیشمندانی مانند

صدر و مطهری است. به این قرار که: طبق تعریف آزادی که به معنای رفع موانع رشد است و رشد نیز به دو نوع رشد مادی و معنوی تقسیم می‌شود و عدالت به معنی پر کردن شکاف طبقاتی و ارائه فرصت‌های برابر تعریف شد. آزادی و عدالت در یک معنا به‌مثابه یکدیگرند. به‌طوری‌که اگر آزادی باشد اما عدالت برقرار نباشد آن آزادی، آزادی موردنظر گفتمان انقلاب اسلامی نیست درباره عدالت نیز همین منطق وجود دارد.

آزادی مورد نظر آیت الله خامنه‌ای هم آزادی از قیدوبند فشار دستگاه‌های مستبد و ظالم بر طبقات گوناگون انسان و ایجاد حکومت عادلانه برای بشر و هم آزادی از اندیشه‌ها و تصورات و اوهام حاکم بر زندگی انسان است، این آزادی، ابتدا در دل انسان و روح به وجود می‌آید؛ و وقتی انسان احساس آزادی کرد، آنگاه تحقق عینی آزادی برای او به وجود می‌آید. از سوی دیگر رشد مفهوم هسته‌ای در آزادی است بر همین مبنا آزادی از ابعاد حق است بنابراین در برابر باطل قرار می‌گیرد؛ همچنین چون آزادی حق است تکلیف نیز هست. از این رو، رشد نیز حق و تکلیف بوده و هر چه مانع رشد باشد مانع آزادی است. بر این اساس فقر و تبعیض که مفاهیم مخالف عدالت اجتماعی هستند و دربند کننده انسان هستند مانع رشد محسوب می‌شوند.

در نتیجه اگر بین فقر و آزادی جمع باشد، طبق نظر آیت‌الله خامنه‌ای، آن آزادی در واقع نآزادی است چون مانع رشد یعنی فقر وجود دارد. از سوی دیگر به دست آمد که عدالت هدف میانی انقلاب اسلامی است و به معنی رفع فقر و شکاف طبقاتی تعریف شد و چون فقر مفهوم مخالف عدالت اجتماعی است لذا عدالت اجتماعی نیز به معنای رفع موانع رشد است. رفاه نیز که نیاز فطری و متکی به آزادی و عدالت است عامل رشد محسوب می‌شود. چون رفاه اعطای خدمات و مزایای اجتماعی به افراد و پرورش استعداد آن‌ها است؛ اما اگر اسراف و مصرف‌گرایی رخ دهد و مسئولیت‌پذیری افراد را کم کند، آنگاه این رفاه مانع رشد است.

در این تحقیق با استنباط از اندیشه و بیانات آیت‌الله خامنه‌ای به این نتیجه رسیده شد که تلاش، کار و مسئولیت‌پذیری عامل اعطای تسهیلات است و تنها افرادی که توانایی کسب درآمد ندارند مانند ناتوانان جسمی و روحی دریافت‌کننده خدمات و تسهیلات رایگان هستند. اعطای این تسهیلات از محل امکانات عمومی و توسط دولت است.

از این رو دولت اسلامی وظیفه جلوگیری از سوءاستفاده از امکانات عمومی و توزیع مناسب ثروت بر اساس قوانین و نظارت بر آنها را دارد و در برابر خدمات به مردم و کارفرمایان از آنها مالیات دریافت می‌شود و آزادی اقتصادی نیز کنترل می‌شود. از سوی دیگر رشد که مادی و معنوی است با موانعی روبرو است مانند جهل، بیماری، ناآزادی، ظلم، اسراف و ... که همگی این موارد محرومیت از رشد محسوب می‌شوند پس برای رفع محرومیت به تعلیم و تربیت، بهداشت، عدالت و آزادی در بخش رشد مادی و به معنویت و کمال و حیات طیبه در بخش معنوی نیاز است.

در انتها نیز این نتیجه به دست آمد که هدف نهایی رشد، کمال انسانی است و به واسطه همین کمال نهایی آرمان‌های فطری ترسیم شده است که متناظر با نیازهای فطری است؛ مانند عدالت، آزادی و رفاه و ... بنابراین چون این رشد و کمال هدف است انسان و حکومت اسلامی باید در راه رسیدن به کمال تلاش کند.

## فهرست منابع

قرآن کریم.

تیلور، گری (۱۳۹۲)، ایدئولوژی و رفاه، ترجمه: مهدی نصرت‌آبادی، سید حسین محقق‌کمال، تهران: جامعه‌شناسان.

جمشیدیها، غلامرضا، گلوری، رضا (تابستان ۱۳۸۹)، «عدالت اجتماعی در اندیشه آیت‌الله سید محمدباقر صدر». اسلام و علوم اجتماعی، ۲(۳)، ۲۵-۵۴.

رمضانی، سعید (۱۳۹۱)، بررسی گفتمانی عدالت و پیشرفت در دهه چهارم انقلاب اسلامی از منظر مقام معظم رهبری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، استاد راهنما: احمد بخشایش اردستانی.

الزرقا، محمدانوس (۱۳۸۵)، «تابع رفاه اجتماعی از دیدگاه اسلام. مجتبی باقری»، دین و اقتصاد، ۵۴-۷۳.

سن، آمارتیا (۱۳۹۴) توسعه یعنی آزادی، مترجم: محمد سعید نوری نائینی، تهران: نی.

صدر، محمدباقر (۱۳۴۸) اقتصاد ما بر سهائی درباره مکتب اقتصادی اسلام، مترجم: محمدباقر موسوی، ج ۲، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

صفری شالی، رضا (۱۳۹۲)، بررسی گفتمان عدالت اجتماعی در دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی، رساله دکتری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، استاد راهنما: دکتر جعفر هزارجریبی.

طغیانی، مهدی (۱۳۸۱)، «عدالت اجتماعی از دیدگاه متفکر شهید مرتضی مطهری»، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، دوره ۴۴، شماره ۶ و ۷، ۲۲-۲۹.

فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، تحلیل گفتمان انتقادی، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.

فیتز پاتریک، تونی (۱۳۸۳)، **Welfare theory** نظریه رفاه (سیاست اجتماعی چیست؟)، هرمز همایون پور، چاپ دوم، تهران: موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.

فیتز پاتریک، تونی (۱۳۸۵)، نظریه‌های رفاه جدید، هرمز همایون پور، چاپ دوم، تهران: موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.

لسناف، مایکل ایچ (۱۳۷۸)، فیلسوفان سیاسی قرن بیستم، ترجمه: خشایار دیهیمی، تهران: کوچک.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۵)، عدل الهی، تهران: صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۸)، آزادی معنوی، تهران: صدرا.

ملکیان، مصطفی (۱۳۷۶)، «عدالت و انصاف و تصمیم‌گیری عقلانی»، نقد و نظر، ۳، (۱۱ و ۱۰)، ۸۰-۹۳.  
نادران، الیاس، کرمی اسوه، محمدحسین (۱۳۹۲)، «بررسی خاستگاه توابع رفاه اجتماعی در رویکرد  
برگسون-ساموئلسن از منظر اسلام و سکولاریسم»، جستارهای اقتصادی ایران، ۷(۱۹)، ۱۱۱-۱۲۴.  
نرم‌افزار حدیث ولایت.

هزارجریبی، جعفر، صفری شالی، رضا (۱۳۹۱)، آناتومی رفاه اجتماعی، تهران: جامعه و فرهنگ.

Fairclough, N. (1996). Language and power, Longman Group UK Limited.

Goodwin, B. (1987). Using Political Ideas, John Wiley: Chichester.

Hayek, Friedrich August von (1944). The Road to Serfdom. London.

Hayek, Friedrich August von (1960). The Comstitution of Liberty, London.

Nozick, Robert (1974). Anarchy, State, and Utopia, New York: Basic Books.

Rawls, Jhon (1971). Atheory of Justice, Cambridge Press.

Tawney, R. H. (1931). Equality, London: Unwin Books.